

فصلنامه بین المللی قانون یار

License Number: 78864 Article Cod: 2021S4D16SH5M588 ISSN-P: 2538-3701

توهین به مقدسات از منظر حقوق بشر

دکتر محمد ستایش پور

اعظم خلیلی^۱

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشگاه قم (دانشکده الکترونیکی)

چکیده

یکی از بحث های مهم و قابل قلم فرسایی بحث توهین می باشد. توهین تقریباً در تمامی ادیان و مذاهب علمی ناشایست به حساب می آید و بسته به اینکه چگونه، در چه شرایطی و به چه شخصی یا گروه یا عقیده ای توهین شود ابعاد حقوقی آن متفاوت است. یکی از منظر های توهین، توهین به مقدسات است. بر اساس مندرجات کنوانسیون ها و معاهدات بین المللی از جمله کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر و اعلامیه جهانی حقوق بشر هر گونه توهین مذهبی و هر رفتار غیر قانونی علیه اشخاص و گروه ها به واسطه مذهب ممنوع است. لکن در بسیاری از موارد دیده شده است که مدعیان حقوق بشر در حالی به بهانه ای آزادی بیان حتی از محکوم کردن این جنایت غیرانسانی شانه خالی می کنند که احترام به عقاید، مقدسات و ارزش های جوامع انسانی یکی از ابتدایی ترین حقوق آنان است. در حقوق اسلام، ارزش های دینی، مورد حمایت حقوقی قرار گرفته است و توهین به آنها از جرایم مهم به شمار می رود. علاوه بر این، از دیدگاه بسیاری از فقهای شیعه و اهل سنت، توهین به «سایر پیامبران الهی» (ع) نیز جرم محسوب می شود. اما در دیدگاه حقوق بشر به خصوص نظام کامن لا که شامل انگلیس و آمریکا می گردد، فقط نسبت به مقدسات دین مسیحیت، حمایت های حقوقی اعمال گردیده و سایر ادیان الهی مورد پشتیبانی قانونی قرار نگرفته اند

واژگان کلیدی: توهین، ادیان، حقوق، آزادی، آزادی بیان، حقوق بشر، نظام بین المللی

حقوق بشر، نظام حقوقی اسلام

^۱ نویسنده مسئول



مقدمه

تمام مذاهب و ادیان، مقدساتی دارند که برای طرفداران آنها محترم شمرده می‌شود؛ حتی در ادیان ابتدایی، مکان‌ها یا اشخاص یا دیگر مقدسات، وجود داشته است؛ در بسیاری از ادیان، مقدسات آن‌چنان اهمیتی دارد که باورمندان به آن دین، حاضرند در راه آن حتی مال و جان و همه هستی خود را فدا کنند و توهین به مقدسات خود را بسی سنگین‌تر و ناپسندتر از توهین به خود و حتی قوم و قبیله خود می‌دانند. از دیرباز وجود مقدسات دینی و مذهبی از یک طرف و لزوم پاسداشت حق آزادی انسان در بیان عقاید خود از طرف دیگر، رابطه‌ای چالش برانگیز را به دنبال داشته است؛ همواره این سؤال اصلی مطرح شده است که آیا لازمه احترام به مقدسات، محدود کردن آزادی بیان انسان نیست و هم چنین به این سؤال خواهیم پرداخت که آیا افراد به بهانه حق آزادی بیان، می‌توانند هر نوع بی‌احترامی را به مقدسات دیگران روا دارند؟ در پاسخ باید گفت که فرض بر این است که آزادی بیان را نمی‌توان با منع توهین به مقدسات محدود کرد و برای ادعای خود هم به مؤیداتی دست انداخته است. و با آزادی بیان نمی‌توان به مقدسات توهین نمود. برای بررسی هر موضوعی ابتدا باید مفاهیم اصلی موضوع را بررسی نمود در این پژوهش در ابتدا به بررسی مفاهیم اصلی موضوع پرداخته شده است و سپس با بررسی منابع مطالعاتی در پی اثبات و رد فرضیات مطرح برای سوالات هستیم.

بخش اول: تعریف اصطلاحات پژوهش

در این قسمت به بررسی مفاهیم اصلی موضوع پرداخته خواهیم پرداخت

بند اول: اهانت

در لغت به معنای «خوار شمردن، خفیف کردن، سبک داشتن و سست کردن» می‌باشد در تعریف اصطلاحی اهانت نیز آمده است: «نسبت دادن هر امر وهن آور اعم از دروغ یا راست،

به هر وسیله و طریقه‌ای که باشد یا انجام هر فعل یا ترک فعلی که از نظر عرف و عادت موجب کسر شأن و یا باعث تخفیف و پست شدن طرف گردد.^۱

بند دوم: سبّ

در لغت به معنای «دشنام دادن و لعن» می‌باشد. صاحب بحارالانوار در تعریف اصطلاحی سب می‌نویسد: «و فی اصطلاح الفقهاء، هو السبّ الذی لم یکن قذفاً بالزنا و نحوه کقولک یا شارب الخمرأ أو یا أکل الربا أو یا معلون... أو یا فاجر و أمثال ذلک ممّا یتضمن استخفافاً و اهانه.»^۲

بند سوم: مقدّسات

در برخی از لغت‌نامه‌های فارسی کلمه «مقدس» چنین تعریف شده است:

«پاک، پاکیزه و منزّه، مرد خدا که از منهیات پرهیزد، آنچه از نظر دینی مورد توجه و تقدیس قرار گیرد.» معنای اصطلاحی مقدّسات به معنای لغوی آن نزدیک بوده و آن عبارت است از: ذات باریتعالی، قرآن کریم، و تمامی اشخاص، مکان‌ها و زمان‌هایی که از هرگونه ناپاکی منزّه بوده و رعایت حرمت آن‌ها ضرورت دارد.^۳

بخش دوم: مبانی فقهی جرم اهانت به مقدّسات مذهبی در اسلام

در اینجا به اختصار به تبیین ادله چهارگانه استنباط احکام اسلامی در رابطه با جرم اهانت به مقدّسات مذهبی پرداخته می‌شود.

بند اول: کتاب (قرآن مجید)

در آیات متعددی اهانت به خداوند متعال، رسول اکرم (ص) و دین اسلام ممنوع اعلام گردیده و اهانت کنندگان وعده عذاب الهی داده شده است؛ بعنوان مثال خداوند در آیه ۵۶ سوره احزاب می‌فرماید: «آنان که خدا و رسول را (به عصیان و مخالفت) آزار و اذیت می‌کنند خدا آنها را در دنیا و آخرت لعن کرده (و از رحمت خود دور گرداند) و بر آنان عذابی با ذلت و

^۱ - آقابخش، علی، فرهنگ علوم سیاسی، مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، تهران، ۱۳۹۴ ص ۴۸

^۲ - همان ص ۸۶

^۳ - معین، محمد، فرهنگ لغت، چاپ سوم، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۹۳



خواری مهیا ساخته است.» همچنین در آیه (۳۲) سوره رعد می‌فرماید: «مردم به رسولان پیش از تو هم استهزاء بسیار کردند من هم به کافران فرصت دادم آن گاه ایشان را به عقوبت گرفته و با چه عقاب سخت به کیفر رسانیدم.»

بند دوم: سنت معصومین (علیهم السلام)

برخی از بزرگان علم اصول در تعریف سنت بیان داشته‌اند: «سنت عبارت است از قول یا فعل یا تقریر معصوم (علیهم السلام). نقل و حکایت سنت را روایت، حدیث و خبر می‌گویند. منظور از قول و فعل، گفتار و کردار و منظور از تقریر سکوت و رفتار تأیید آمیز معصوم است نسبت به فعل یا عقیده‌ای که در حضور ایشان انجام یا مطرح شده و آن را رد نکرده باشد.» در این جا به روایتی در رابطه با اهانت به مقدسات مذهب اشاره می‌شود: «زمان رسول خدا شخص کوری زندگی می‌کرد که همسر او همواره از رسول خدا (ص) بدگویی می‌کرد و به ایشان (ص) دشنام می‌داد. هرچند شوهر، او را از این کار بر حذر می‌داشت، او نمی‌پذیرفت و از عمل زشت خود دست بر نمی‌داشت. یک شب که زن طبق معمول به رسول خدا دشنام می‌داد دیگر صبرش تمام شد، خنجری برداشت و در شکم زنش فرو کرد و او را کشت. روز بعد پیامبر (ص) از ماجرا آگاه شدند و بعد از تحقیق و پرسش فرمودند: مردم شاهد باشید که خون این زن هدر است.»^۱

بند سوم: اجماع

بزرگان زیادی از علمای فقه در خصوص جواز و وجوب قتل سبّ النبی ادعای اجماع نموده‌اند؛ از جمله می‌توان به صاحب جواهر اشاره نمود که می‌نویسد: «من سبّ النبی جاز لسامعه بل وجب قتله بلا خلاف اجده فیه بل الاجماع بقسمیه علیه...» فقهای دیگر نظیر آیت... شیخ ابوالقاسم خویی، ابن زهره، سید احمد خوانساری، امام خمینی (ره) و... نیز وجود اجماع را تأیید نموده‌اند.

^۱ - شکرخواه، یونس، پایان نامه «آزادی بیان در مصوبه های جهانی» دانشگاه آزاد تهران شمال، ۱۳۹۵ ص ۴۸

بند چهارم: عقل

بنا بر قاعده «کلما حکم به العقل حکم به الشرع و کلما حکم به الشرع حکم به العقل» تعارضی میان احکام عقل و شرع وجود ندارد. در این جا نیز عقل به خوبی قباحت اهانت به مقدسات مذهبی را می‌پذیرد و آن را موجب جریحه دار شدن احساسات مذهبی طیف وسیعی از بشریت و به تبع آن تزلزل و اختلال در آرامش فکری و روحی انسان می‌داند و به شدت، این عمل قبیح را نکوهش می‌کند. البته در خصوص میزان و کیفیت مجازات اهانت کننده بایستی از سه ادله دیگر استنباط احکام - که به آن‌ها اشاره شد - کمک گرفت و به استناد «مقدمات عقلی صرف» نمی‌توان حکم اهانت کننده را مشخص نمود.

بخش سوم: آزادی بیان و توهین به مقدسات در حقوق بشر

بند اول: حق آزادی مذهب در حقوق بین الملل

اسناد بین المللی حقوق بشر همگی بر آزادی مذهبی، یعنی آزاد بودن هر فرد در انتخاب هر گونه عیده دینی و انتساب به هر گونه مذهبی و تغییر مذهب، تأکید دارند. در ذیل به بررسی اسناد مذکور خواهیم پرداخت. در بند ۲ ماده ۱۸ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی آمده است: «هیچ کس نباید مورد اکراهی واقع شود که به آزادی او در داشتن یا قبول یک مذهبی با معتقدات به انتخاب خویش لطمه وارد آورد. مهم‌ترین مقرره ی بین المللی برای حمایت از حق آزادی مذهبی فرد، ماده ۱۸ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (۲) است که در ۲۳ مارس ۱۹۷۶ لازم‌الاجراء شد. ماده ۱۸ مقرر می‌دارد:

۱. « هر کسی باید حق آزادی تفکر، وجدان و مذهب داشته باشد. این حق شامل آزادی داشتن و یا پذیرش مذهبی به انتخاب خود فرد، و آزادی اظهار باور یا مذهب در پرستش، عبادت، عمل به فرایض و آموزش آن مذهب یا باور خواه به طور فردی و خواه در جامعه با دیگران و به طور عمومی و خصوصی می‌شود»
۲. «هیچ کس نباید در معرض اجباری قرار گیرد که بر آزادی او برای داشتن یا پذیرش مذهبی به انتخاب خودش لطمه وارد کند»



۳. «آزادی اظهار مذهب یا باورهای شخص تنشها می‌تواند مشمول آن محدودیت‌هایی شود که توسط قانون تجویز شده‌اند و برای حمایت از سلامت، نظم، بهداشت، یا اخلاق عمومی و یا حقوق و آزادیهای اساسی دیگران ضرورت دارند»

۴. «دولت‌های عضو این میثاق، متعهد می‌شوند که به آزادی والدین و حسب مورد، آزادی سرپرستان قانونی کودکان برای حصول اطمینان از آموزش مذهبی و اخلاقی کودکان‌شان در مطابقت با اعتقاداتشان احترام گذارند»^۱.

بر اساس ماده ۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، دولت‌های عضو، متعهد شده‌اند که به حقوق به رسمیت شناخته شده در ماده ۱۸ برای تمام افراد حاضر در حیطه صلاحیتی خود احترام گذارند و آن حقوق را قطع نظر از اینکه مذهب افراد چیست، برای آنها تضمین نمایند. همچنین لازم به ذکر است که ماده ۲۷ مقرر می‌کند که افرادی که جزء اقلیت‌های مذهبی یک کشور هستند را نمی‌توان از حق اظهار مذهب خود و یا عمل به آموزه‌های دینی خود در جامعه منع نمود. تا تاریخ ۷ جولای ۲۰۰۳، تعداد ۱۴۹ دولت یعنی حدود سه چهارم دولت‌های جهان، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی را امضا نموده‌اند. دولت‌های پرجمعیتی که این معاهده را امضا و تصویب نکرده‌اند عبارتند از: چین، اندونزی، پاکستان، عربستان سعودی و ترکیه. در مواردی امضای یک معاهده، دولت را ملزم به اجرای مفاد آن می‌کند و تنها در مواردی می‌توان آن را اجرا نمود که حق شرطی بر خلاف آن وجود داشته باشد. اثر حق شرط این است که دولت حق شرط‌گذار را نسبت به آن بخش از معاهده که موضوع حق شرط است از تعهد معاف می‌کند. کمیته‌ای که نزد آن می‌توان به خاطر نقض‌های ماده ۱۸ دادخواهی نمود، کمیته حقوق بشر است که بر اساس ماده ۲۸ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، تشکیل شده است. یکی از کارکردهای این دیوان عبارت است از بررسی ادعاهای افراد دولت‌های عضو پروتکل اختیاری میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (پروتکل اختیاری) که ادعا می‌کنند توسط دولت‌ها قربانی نقض حقوق مندرج در میثاق شده‌اند. چنین افرادی که به آنها «اعلام‌کننده»

^۱ - مهرپور، حسین، مقاله اسلام و حقوق بشر، مجله سیاست خارجی، شماره ۱، بهار ۱۳۹۴، انتشارات وزارت امور خارجه ص ۴۸

گفته می‌شود، می‌توانند بر اساس ماده ۱ پروتکل اختیاری، اطلاعات خود را برای بررسی به کمیته حقوق بشر تسلیم نمایند. بر اساس قسمت «ب» از بند ۲ ماده ۵ پروتکل اختیاری، چنین اطلاعاتی تنها در صورتی می‌توانند بررسی شوند که تمامی دادخواهی‌های داخلی انجام شده و بی نتیجه مانده باشد. با این حال اگر کمیته حقوق بشر به این نتیجه برسد که اجرای چنین دادخواهی‌هایی به نحو غیر منطقی طولانی شده است، اعلامی که به وی تسلیم شده است را قابل پذیرش تشخیص خواهد داد.

بند دوم: بررسی تعارض حق بر آزادی دینی با حقوق

یکی از مباحث در حوزه محدودیت حق بر آزادیها و تعارض حق‌ها بویژه تزامن آزادی دینی و آزادی بیان، محدودسازی آزادی بیان به سبب توهین به مقدسات دینی و اعتقادی است. نمونه‌های متعددی چون کتاب آیات شیطانی اثر سلمان رشدی، کاریکاتورهای روزنامه دانمارکی، فیلم هلندی تسلیم و آتش زدن قران و نیز کتابهای متعددی که در سالهای اخیر و نقد و ایراد بر مذهب و اعتقادات دینی به چاپ رسیده است، بحث امکان ممنوع نمودن توهین به ادیان و کتب آسمانی را دوباره در صحنه داخلی و بین‌المللی نو کرده است و این سوال را مطرح نموده که آیا آزادی بیان، حق استهزا و توهین به مذاهب را نیز شامل می‌گردد؟ (۲) و یا این حق باید یا می‌تواند محدود به عدم توهین به مذاهب گردد؟ این سوال در حالی مطرح می‌گردد که عقاید و نظریه‌های متفاوتی در مورد حدود و ثغور استهزا و توهین به ادیان وجود دارد. آنچه که از دیدگاه فرقه‌ای نقد و بررسی یا هنر و سرگرمی محسوب می‌گردد، از دیدگاه دريگر استهزا، توهين، غير هنري و غير اخلاقي شمرده می‌شود.

بند سوم: توهين به ادیان از منظر نهادهای سازمان ملل

کمیته حقوق بشر نیز به نوبه‌ی خود، به مسأله‌ی توهین به ادیان از جمله در بررسی گزارشهای ادواری دولتها، توجه نموده است. در این کمیته قوانینی را که به نحوی به مسأله توهین به مقدسات در ارتباط هستند، مورد بررسی قرار می‌دهد مثلاً در مورد ماده ۱۸۸ قانون اتریش که پیشتر گفته شد، توضیح خواسته است و یا از فنلاند توضیح خواسته که چرا ممنوعیت تبلیغات ضد دینی در این کشور تنها در مورد منکران خداوند اعمال می‌گردد و آیا حق اظهار نظر علیه ادیان

در این کشور رعایت می گردد؟ و نیز از آلمان در مورد چگونگی تفسیر قوانینی که فحاشی به مقدسات کلیساهای محلی و یاسایر گروههای دینی را ممنوع می کند سوال کرده است. همچنین کمیسیون حقوق بشر از سال ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۵ به مسأله "مقابله با ارائه تصویر منفی از ادیان" پرداخته و قطعنامه های متعددی را در این زمینه منتشر کرده است. پس از کمیسیون جانشین آن، شورای حقوق بشر، نیز در سال ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ این روند را پیگیری کرده است. مجمع عمومی نیز در این زمینه اسناد متعددی را منتشر کرده است.^۱ حائز اهمیت است که با وجود تصویب این قطعنامه ها در نهاد های پیش گفته، متأسفانه این قطعنامه ها از طرف دولتهای غربی عضو مورد پشتیبانی قرار نگرفته است؛ زیرا این نهاد این قطعنامه ها توسط دولتهای اسلامی و اعضای سازمان کنفرانس اسلامی بوده و هیچ یک به اتفاق آرا مورد پذیرش اعضا قرار نگرفته است. کمیسیون حقوق بشر، در قطعنامه ۲۰۰۲/۹ خود به نام "مقابله با ارائه تصویر منفی از ادیان" در مورد ارائه تصویر غلط و منفی از ادیان به خصوص، قرین سازی اسلام بانقض حقوق بشر و تروریسم ابراز نگرانی کرده و بر نقش رسانه های جمعی نوشتاری و صوتی- تصویری در تحریک به بیگانه ستیزی، ناشکیبایی و تبعیض علیه اسلام و سایر ادیان تأکید کرده است. و نیز در مورد فعالیتهای گروههای افراطی در ارائه تصویر منفی از ادیان، به خصوص فعالیتهای دولتی در این زمینه ابراز ناخشنودی کرده است. این کمیسیون از دولتهای خواهد که از کلیه ی حقوق بشری که به سبب ارائه تصویر منفی از ادیان نقض می گردد، حمایت مقتضی را مبدول دارند و تمام توان خود را در مورد ترویج مدارا و احترام به تمامی ادیان و نظامهای ارزشی به کار گیرند و در رسیدن به این مقصد، فزونی آگاهی در مورد تمدنها و فرهنگها از طریق ارتباط و تعاون را سودمند و وسیله ای برای پیشبرد حقوق بشر مندرج در اسناد بین المللی همچون اعلامیه جهانی حقوق بشر می دانند و از جامعه بین المللی می خواهد که توسط یک کنفرانس جهانی، فرهنگ مدارای مبتنی بر احترام به حقوق بشر و تنوع دینی را به پیش برند و از ارباب رسانه های جمعی می خواهد در این کنفرانس مشارکت نمایند. کمیسیون حقوق بشر در قطعنامه ۲۰۰۲/۴۸ خود در اجاع به آزاد ی بیان ابراز نگرانی همیشگی خود در سوء استفاده از قوانین مربوط به توهین و بدگویی از جمله اعمال حبس، قتل و آزار خبر می دهد.

^۱ - معتمدنژاد، کاظم، حقوق ارتباطات جمعی، انتشارات دانشکده علوم اجتماعی، سال ۱۳۹۸ ص ۴۶

بند چهارم: بررسی تعارض حق بر آزادی دینی با حقوق و آزادی دیگران در حقوق بین الملل (توهین به ادیان)

یکی از مباحث مهم در حوزه محدودیت حق بر آزادیها و تعارض حق هابویژه تراحم آزادی دینی و آزادی بیان، محدودسازی آزادی بیان به سبب توهین به مقدسات دینی و اعتقادی است. نمونه های متعددی چون کتاب آیات شیطانی اثر سلمان رشدی، کاریکاتورهای روزنامه دانمارکی، فیلم هلندی تسلیم و آتش زدن قران و نیز کتابهای متعددی که در سالهای اخیر و نقد و ایراد بر مذهب و اعتقادات دینی به چاپ رسیده است، بحث امکان ممنوع نمودن توهین به ادیان و کتب آسمانی را دوباره در صحنه داخلی و بین المللی نو کرده است و این سوال را مطرح نموده که آیا آزادی بیان، حق استهزا و توهین به مذاهب را نیز شامل می گردد و یا این حق بایدیامی تواند محدود به عدم توهین به مذاهب گردد؟ این سوال در حالی مطرح می گردد که عقاید و نظریه های متفاوتی در مورد حدود و ثغور استهزا و توهین به ادیان وجود دارد. آنچه که از دیدگاه فرقه ای نقد و بررسی یا هنر و سرگرمی محسوب می گردد، از دیدگاه دریگری استهزا، توهین، غیر هنری و غیر اخلاقی شمرده می شود. این بخش از تحقیق حاضر ضمن بیان مقدمه ای در این مسأله به نقل و نقد رویه دیوان اروپایی حقوق بشر به عنوان نهادی که با این تراحم روبرو بوده است می پردازد، و پس از نقل موضع نهادهایی چون کمیته حقوق بشر و گزارش گرویزه و برخی از قوانین و عملکرد کشورها در این خصوص، به تبیین اجمالی وضعیت توهین به اسلام توجه خواهد کرد.

بند پنجم: نیم نگاهی به توهین به مقدسات اسلامی در سال های اخیر و ارائه راه کار

از دیگر مسائل قابل توجه و مهم در عرصه توهین به مقدسات، تحقیر و یا انتقادهای شدید علیه ادیان، حرکت هایی است که علیه اسلام و پیامبر اکرم (ص) در سال های اخیر شکل گرفته است، و نیز عکس العملی که مسلمانان و یا علمای دین و یا دولت های اسلامی در قبال آن داشته اند. عکس العمل شدید در اندک مواردی باعث شده است که از نوشتن و انتشار مطالب توهین آمیز علیه اسلام کاسته شود. و یا از اسامی مستعار برای نشر افکار خود علیه اسلام



استفاده کنند. از موارد استثناء، زنی به نام «ایان هیرسی علی» است. وی که متولد سومالی است ابتدا مسلمان بوده و سپس به دلائلی که در کتاب خود گفته است و در فیلم «تسلیم قسمت ۱» نیز بخشی از آن قابل مشاهده است، اسلام را ترک گفته و ملحد شده است. وی در سال ۲۰۰۴ به اتفاق تهیه کننده ای هلندی با نام «theo Van Gogh» فیلمی علیه اسلام ساختند یا نام «تسلیم قسمت ۱» این فیلم در تلویزیون هند به نمایش درآمد. وی که در این فیلم در حالتی که قسمتی از بدن عریان خود را با چادری پوشیده است و آیات قرآنی به مناسبت کلماتی که می گوید بر بدنش نوشته می شود، نماز، اعتقاد به خداوند، سکوت خداوند در مقابل رفتار تبعیض آمیز و خشن با زنان مسلمان، فحشای پنهان در بین مسلمانان و مجازات خشن اسلامی را به نمایش می گذارد، و به نقد می کشد، و ایمان را نه تنها مانع از این گونه زشتی ها معرفی نمی کند، بلکه به نوعی عامل آن می داند. وی در انتهای این فیلم ده دقیقه ای می گوید: دیگر نمی تواند مطیع خداوند باقی بماند، و با نمایش زنی مسن و با حجاب کامل در پشت صحنه اصلی، در طول فیلم به تضاد فکری نسل جدید زنان مسلمان و نسل گذشته آنها اشاره می کند، و به نحوی این رویه را به نسل جدید زنان در کشورهای اسلامی القاء می نماید که دیگر در حریم قوانین اسلام باقی نمانند و آن را بشکنند. ایان هیرسی علی، نه تنها در فیلم، بلکه در واقع، خود نمونه چنین زنی است. وی به خاطر بیان و نمایش خشونت های خانوادگی و پنهان علیه زنان، از سوی برخی مورد تشویق قرار گرفت. فیلم به نحوی تهیه شده بود که نه تنها ایان هیرسی علی نتوانست، توسط آن، خشونت پنهان علیه دختران در کشور خویش را به نمایش بگذارد، بلکه به عنوان یک فیلم توهین آمیز تلقی شد. تهیه کننده فیلم دو ماه پس از نمایش آن، توسط یک مسلمان هلندی با نام محمد بویری ترور شد و ایان هیرسی علی به آمریکا رفت و توسط برخی ترویج می شود، و سعی می شود وی به عنوان نویسنده مشهور معرفی گردد. سرگذشت نامه وی با نام «بی ایمان: سفرم به سوی آگاهی حقیقی»، بالاترین فروش را در لیست نیویورک تایمز و اروپا داشته است. از دیگر کسانی که امروزه در صدد معرفی وی به عنوان یک نویسنده و منتقد علیه اسلام هستند، زنی فمینیست با نام «ارشاد منجی» است. وی که از پدری اوگاندایی و مادری هندی زاده شده است بعد از اخراج جنوب آسیایی ها، توسط عیدی امین از کشور، به

همراه والدین خود به کانادا رفت، و بعدها به عنوان همجنس باز است، در مورد زندگی همجنس بازان در بین مسلمانان برنامه هایی را ارائه کرد. وی هم اکنون در بنیاد اروپایی دموکراسیدر بروکسل و دانشگاه نیویورک فعالیت دارد. از کتاب های وی که به سی زبان مختلف از جمله فارسی و عربی ترجمه شده است، می توان از «مشکل اسلام در روزگار ما»^۱ نام برد. وی بارها از سوی مسلمانان مورد تهدید قرار گرفت و در مصاحبه ای گفته است که از پنجره های ضدگلوله برای حفظ جان خویش استفاده می کند. در مقابل این گروه از مسلمانان، برخی دیگر، وی را فمینیست قرن بیست و یکم و یا رهبری جهانی نامیده اند. نیویورک تایمز در تعریفی از او، وی را بدترین کابوس برای اسامه بن لادن نامیده است. وی در تبیین دیدگاه خود، خویش را «Muslim refusenik» نامیده است. «Refusenik» کلمه ای مرکب از دو بخش روسی و انگلیسی است؛ بخش اول به فرد یهودی روسی اطلاق می شود که نتوانسته است مجوز مهاجرت را اخذ نماید، و بخش دوم به معنای اسرائیلی است که از خدمت نظامی در کرانه باختری خودداری می کند. وی خود را به عنوان یک اصلاحگر دینی و زنی آشنا با دنیای نو و پرچم دار نواندیشی دینی در بین مسلمانان معرفی می کند؛ بی تردید حرکت های زیادی را خواهید یافت که به نوعی در بزرگ نمایی تردیدآمیز سیمای این زن می کوشند. فارغ از اشخاص نام برده، مسأله توهین به اسلام، پیامبر اکرم (ص) و سایر انبیای الهی در چندساله اخیر به صورت یک حرکت مکرر درآمده است و هر روز شاهد توهین به ایشان و عکس العمل در مقابل این توهین در جراید هستیم.

پرسش مهم در این زمینه این است که چه باید کرد که هم ادیان و به تبع، پیروان آنها، مورد انتقادهای توهین آمیز و آزار قرار نگیرند و نیز حقوق بشر به خصوص آزادی بیان و آزادی دین و عقیده مصون بمانند؟ اصولاً، توهین به ادیان و اعتقادات، در اسلام چه جایگاهی دارد؟ آیا توهین به خدا و پیامبر در عناوینی چون سب الله و سب النبی و ارتداد خلاصه شده اند؟ آیا اسلام برای توهین به خدا و پیامبر در عناوینی ترذیلی بهره می گیرد و یا احکام دیگری نیز در

^۱ - Irshad Manji, The Trouble with Islam Today: A Muslim's Call for Reform in Her Faith, St. Martin's Press, 2004. 12



این زمینه می تواند مورد استفاده گیرد؟ و اصولاً، زمانی که احکام کیفری و خشونت پاسخگو نباشد و یا اثری واژگونه داشته باشد آیا باید هنوز ادامه یابد؟ چرا رویه عملی مسلمانان این گونه متفاوت است؛ برخی در مقابل شدیدترین توهین ها سکوت می کنند و به استدلال؛ جواب ابلهان خاموشی است، اکتفا می کنند. و برخی تنها عکس العمل شفاهی و گفتار محور را برمی گزینند. و برخی به مجازات قتل اکتفا نمی کنند؟ اینها مسائلی درون دینی است، که اقتضای پاسخگویی گسترده و مناسب در محل خود و در حوزه درون دینی را دارد، ولی، آن چه که در این نوشته مقصد نویسنده است، این است که وقتی مسلمانان و عمدتاً دول اسلامی متون حقوق بشر، چون میثاق حقوق مدنی و سیاسی، را پذیرفتند آیا هنوز می توانند به افکار دینی و احکام مذهبی خاص خود تمسک کنند و آن چنان که در رساله های عملیه و احکام اولیه اسلامی آمده است، صرف نظر، از این که آن احکام دالّ بر مدارا و یا خشونت باشند، عمل کنند؟ آیا در این مسأله تفاوتی دارد که دولت پذیرنده، یک دولت با حکومتی اسلامی باشد، و یا دین رسمی آن کشور اسلام باشد و یا قبلاً و در زمانی که کنوانسیون مربوطه را پذیرفته دارای حکومتی غیرمقید به اسلام بوده است، و پس از دگرگونی و انقلاب، حکومتی اسلامی را پذیرفته است؟ و اصولاً در حکومت دینی، چنانچه معاهده ای بین المللی تصویب شود که مفاد برخی از مواد آن بر خلاف ظاهر برخی از احکام مشهور و مورد عمل اسلامی باشد، عمل به حکم شرعی پیش گفته مقدم است، یا پایبندی به معاهده مصوب؟

در همین فرض، اگر چنین معاهده ای توسط حکومتی نامشروع (برخلاف فتاوی و دیدگاه های رایج) تصویب شود و سپس حکومت دینی جایگزین آن حکومت گردد، آیا حکومت اسلامی باید مطابق قوانین بین المللی به آن معاهده پایبند باشد، یا می تواند آن را «یا برخی از مواد آن را» نقض نماید؟ یا به تعبیر فقهی، آیا اساساً پایبندی به این گونه معاهدات، پذیرش حاکمیت و احکام کفار است؟ و در نتیجه، آیا از مصادیق قاعده مشهور «نفی سبیل» و نفی سلطه کفار بر مسلمین و جامعه و احکام اسلامی است؟ و آیا اصولاً این قاعده می تواند مفادی این چنینی داشته باشد؟ گرچه دیدگاه پیش گفته از جهاتی قابل تأمل و بررسی است، مانند این که قاعده نفی سبیل و آیه مربوط اصولاً راجع به نفی ولایت کفار بر مسلمانان در این گونه امور نیست،

بلکه مفاد آن همچنان که شیخ انصاری و آیت الله خوینی «ره» می گویند و در برخی روایات نیز وارد شده است راجع به عدم امکان استیلای کفار بر مسلمانان در مقام بحث و احتجاج است و یا مربوط به تقدم مسلمانان راستین بر کفار در روز حساب ولی به اجمال می توان گفت که بر فرض مخالفت مدارا با مخالفان و توهین کنندگان، با احکام اولیه دینی می توان، بلکه باید، بر اساس پیمان ها و قراردادهای بین المللی با آنان مدارا کرد و مادامی که این معاهدات به صراحت و یا در عمل از سوی دیگر هم پیمانان نقض نشده اند، بر آنان پای برجا ماند. زیرا پای بند به پیمان ها نه تنها مخالف دین نیست، بلکه به نص قرآن کریم، عین تقوا و دین است.

به علاوه، توجه به این نکته الزامی است که توهین معیار ثابتی ندارد، و چیزی ممکن است از دیدگاه فرهنگ، تمدن، دین و یا گروه خاصی توهین محسوب شود و از دیدگاه دیگری، از روی جهالت و یا آگاهانه، عملی مطلوب و یا ابزار نظر صرف تلقی گردد، و پیش گیری از آن، انحراف و یا عقیده ای مردود محسوب شود. به این سبب، خداوند متعالی نه تنها به مسأله ممنوعیت توهین به مقدسات سایر ادیان و عقاید تصریح نموده است، بلکه این نکته را نیز گوشزد کرده است که دیدگاه ها در این زمینه مختلف بر حقانیت عقاید، مورد حکم قرار گیرد. در این باره، خداوند فرموده است: «کسانی که غیر خدا را می خوانند، دشنام ندهید، مبدا آنها (نیز) از روی ظلم و جهل، خدا را دشنام دهند! این چنین برای هر امتی عملشان را زینت داده ایم. سپس بازگشت همه آنان به سوی پروردگارشان است؛ و آنها را از آن چه عمل می کرده اند، آگاه می سازد. (و پاداش و کیفر می دهد).»^۱ بنابراین، کشورهای اسلامی باید در حدود تعهدات بین المللی خویش از راه هایی برای پیشگیری و مقابله با این گونه اهانت ها بهره بگیرند که خود، به گونه ای نقض این تعهدات محسوب نشود، به خصوص که هیچ یک از کشورهای اسلامی در هنگام تصویب و یا الحاق، در مورد حق بر آزادی بیان در میثاق حقوق مدنی و سیاسی رزوری ندارند. تقدم معاهدات بین المللی بر تمسک به قواعد اولیه شریعت همچنان که مفاد نظر فقهی فوق بود، مطابق با حقوق بین الملل و مواد ۲۶ و ۲۷

^۱ - حمیدالله، محمد حقوق روابط بین الملل در اسلام، ترجمه و تحقیق سید مصطفی محقق داماد، مرکز نشر علوم اسلامی، تهران، ۱۳۹۳



کنوانسیون حقوق معاهدات ۱۹۹۶ وین نیز می باشد. بر این اساس، معاهدات باید با حسن نیت به اجرا درآیند و هیچ یک از دولت های عضو نمی تواند با تمسک به قوانین داخلی خود را در انجام تعهدات خود بر اساس معاهدات بین المللی قصور ورزد. در ماده ۳ از پیش نویس مواد راجع به «مسئولیت دولت ها در قبال اعمال خلاف بین المللی به سبب اعمال خلاف بین المللی» آمده است؛ توصیف نامشروع بودن یک عمل بر اساس حقوق بین الملل، به عمل می آید و مشروع بودن این عمل بر اساس حقوق داخلی تأثیری بر این توصیف ندارد. در شرح این ماده آمده است، که اصل مندرج در ماده ۳، هرگونه قانون یا قاعده ای، خواه نوشته و یا نانوشته، را شامل می شود که در حوزه یک کشور پذیرفته شده است، صرف نظر از این که مرجع این تقنین که باشد و یا در چه سطحی قرار داشته باشد و با رأی دیوان دادگستری بین المللی در قضیه لاگرانند نیز این نظر را مستند می سازد. بنابراین، اطلاق این ماده، احکام و قواعد شرعی را نیز شامل می شود و دولت یا حکومت های دینی نمی توانند تمسک به دین را وسیله ای برای نقض تعهدات بین المللی حقوق بشری یا نسخ و ابطال آنها قرار دهند.

بر اساس استنباط از ماده ۲ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، دولت ها نه تنها موظف هستند با منع سخنانی که موجب ایجاد تنفرهای دینی و درگیری میان اهل ادیان و عقاید می گردد جلوگیری نمایند، بلکه موظفند از نشر دیدگاه های دینی خشنی که موجب نقض حقوق و آزادی های دیگران می شود نیز جلوگیری نمایند؛ و قلمرو تحت حاکمیت دولت های خود را برای زندگی همراه با احترام، آسایش و بهره مندی از حقوق و آزادی های اساسی برای شهروندان و کلیه اشخاص تحت کنترل موثر خود، فراهم آورند.

خداوند نیز مؤمنان را در این خصوص فرموده است: «ای کسانی که ایمان آورده اید همگی در صلح و آشتی درآید! و از گام های شیطان، پیروی نکنید؛ که او دشمن آشکار است.» به نحوی که هیچ کس در معرض توهین و تحقیر دیگری قرار نگیرد.

از طرفی نقد صحیح، تهی از منفی گرایی و استهزای ادیان و عقاید می تواند به درک صحیح آزادی دینی و آزادی بیان توسط دینوران کمک کرده آنان را در ترویج و اجرای عملی آن

موفق سازد، بدین طریق آزادی بیان تنها ابزاری برای از بین بردن دین و اعتقادات مذهبی و یا توهین به مقدسات تلقی نمی‌گردد. بلکه درک صحیح از این دو آزادی، وسیله‌ای برای تحقق حقوق بشر در روابط میان دینوران و بی‌دینان می‌شود.

دنای کوچک امروز مقتضی همزیستی ادیان و فرهنگ‌ها است. و جهانی شدن، ارتباطات جمعی، درک کثرت‌ها و جهانی و همگانی اندیشیدن، ضرورتی غیرقابل اجتناب و قابل درک و برنامه‌ریزی است. لذا ارباب ادیان باید در فضایی حکم صادر کنند که دیگران و اندیشه‌های آنان نیز وجود دارد و حاکمیت از آن یک عقیده و یا یک گروه خاص نیست. از طرفی مخالفان ادیان نباید فضای انسانی را به بهانه‌هایی چون آزادی و هنر غیرانسانی سازند؛ و به خاطر انعکاس غیراخلاقی دیدگاه‌های خود و یا جهانی شدن، انسان شدن را به فراموشی بسپارند. در فضای جهانی شدن توجه به احساسات مذهبی و حساسیت‌های اعتقادی جایگاهی حساس‌تر از پیش دارد، و چون اسلام، امروز در محور این گونه مباحث قرار دارد. هم اسلامیان را تأنی و صبر پسندیده است و هم مخالفان را آگاهی، آگاهی از این که تندروی برخی گروه‌های افراطی موجب تعدی به دین و استهزای اعتقادات نگردد. و عدالت، محور گیرد و نه آتش دشمنی‌های دیرینه را دمیدن

۸۳۵



برخی معتقدند، این خود مردم هستند که باید تشخیص بدهند چه فیلمی را ببینند و کدام فیلم یا برنامه‌ای را نبینند؛ و چون انتخاب دارند و این حق برگرفته از زندگی در یک جامعه مردم‌سالار است، این گونه فیلم‌ها می‌تواند به نمایش گذاشته شود!^۱

ولی یک نکته از دیدگاه اینان مورد غفلت قرار گرفته است و آن این که بحث در حق انتخاب مردم نیست. این حق در محل خود محفوظ و پذیرفته است. بحث در این است که آیا آزادی دینی می‌تواند در بردارنده حق بر احترام به این عقاید نیز گردد؟ اگر این چنین باشد، بحث از تزامم دو حق؛ یعنی حق بر آزادی دینی و حق بر آزادی بیان پیش می‌آید که باید در جای خود بررسی گردد. در وهله بعد، در صورتی که این حق در بردارنده حق بر احترام به این عقاید

^۱ گوستاو لوبون، تمدن اسلام و عرب، ترجمه هاشم حسینی، کتابفروشی اسلامیة، تهران، ۱۳۸۷ ص ۴۸

نباشد، آیا ارائه این گونه فیلم‌ها موجب برانگیخته شدن دشمنی و تنفر نمی‌گردد؟ تا در مفاد بند دو ماده ۲۰ میثاق قرار گیرد و ممنوع شود؟ و آیا اصولاً دولت‌ها می‌توانند ممنوعیت این چنین فیلم‌ها و سخنان را بر اساس بند ۳ ماده ۲۰ در تضاد با احترام به حقوق و یا اعتبار دیگران تلقی کرده و یا برای حمایت از امنیت، نظم، بهداشت و یا اخلاق عمومی، بر اساس قانون، محدود و یا ممنوع سازند. پس بحث در مورد آزادی مردم در انتخاب آن چه باید ببینند و یا بخوانند و یا بشنوند نیست.

جالب توجه است که کشورهای مخالف صدور قطع‌نامه‌ها در مورد بدگویی به ادیان و تشویه چهره آنان همیشه مرکب از کشورهای اروپایی، کانادا، آمریکا و برخی کشورهای حوزه اقیانوس آرام بودند.

علت مخالفت برخی کشورها، تأکید قطع‌نامه‌های مزبور بر توهین به اسلام، علی‌رغم عنوان کلی آنها نسبت به همه ادیان بوده است. از طرفی، حمایت از ادیان که وجهه همت این قطع‌نامه‌ها است، به عنوان یک دغدغه بین‌المللی، یک مسأله حقوق بشری تلقی نمی‌شده است، زیرا هدف حقوق بشر حمایت از ادیان نیست، بلکه حمایت از اشخاص و حقوق آنان است! البته در مقدمه قطع‌نامه ۶۲/۱۵۴ مصوب ۱۸ دسامبر ۲۰۰۷ آمده است که «بدگویی نسبت به ادیان می‌تواند منجر به آشوب‌های اجتماعی و نقض حقوق بشر گردد». بنابراین لازم نیست که توهین به ادیان و بدگویی از آنها به خودی خود و مستقیماً یک مسأله حقوق بشری تلقی شود، بلکه به طور غیرمستقیم موضوعی حقوق بشری است.

اما این اشکال قابل طرح است که بین نقد عقاید دینی، توهین به ادیان و یا بدگویی به آنها و ترغیب به تنفر ملی یا نژادی یا مذهبی که باعث تحریک به تبعیض و یا دشمنی و خشونت گردد، فرق است. آشوب‌های اجتماعی به تنهایی نمی‌تواند آستانه‌ای در حد مفاد ماده ۲۰ میثاق حقوق مدنی و سیاسی داشته باشد.

ولی این اشکال قابل پاسخ‌گویی است. زیرا اولاً، در صدور قطع‌نامه‌های مجمع عمومی لازم نیست که موضوع به خودی خود، یک موضوع حقوق بشری باشد. بلکه هر موضوعی که

ممکن است در صحنه بین المللی تأثیر مثبت و یا منفی داشته باشد، می تواند مورد توجه مجمع عمومی قرار گیرد. مجمع عمومی می تواند هر مسأله یا امری را که در حدود منشور یا مربوط به اختیارات و وظایف هر یک از رکن های مقرر در منشور باشد، مورد بحث قرار دهد.

ثانیاً؛ اتفاق های خونبار در صحنه بین المللی در پی توهین به ادیان، نشان از این دارد که موضوع مربوط می تواند در آستانه ماده ۲۰ میثاق و اسناد مشابه قرار گیرد.

ثالثاً؛ برای یک اقدام بین المللی در این گونه موارد لازم نیست که عملاً جنگی رخ دهد و یا تنفر مذهبی و اغتشاش تحقق یابد، بلکه پیش گیری از تحقق آن نیز می تواند دلیل موجهی برای صدور این گونه قطع نامه ها باشد.

رابعاً؛ در مورد دینوران و معتقدان می توان این چنین ادعا نمود که به سبب شدت ارتباط بین دین و معتقدان به آن، توهین به ادیان نقض حقوق شخصی و اعتبار اشخاص تلقی می شود.

در پایان، راجع به توهین به ادیان و حق بر آزادی دینی، می توان این گونه خلاصه گیر و ابراز نظر نمود.

۱- از دیدگاه تاریخی، آزادی بیان، همواره به همراه خویش نقد دیدگاه های پذیرفته شده دینی و اعتقادی را به همراه داشته است.

۲- توهین به ادیان و عناوین مشابه، ناظر به اقوال یا اعمالی هستند که مفاد و یا نحوه ابراز آنها، عرفاً به گونه ای شرم آور و یا تحقیر آمیز هستند، که به نوعی احساسات مذهبی دینوران را جریحه دار و مخدوش می نمایند. به علاوه، تحقیر ادیان می تواند با همسان سازی آنها با عناوین نامشروعی چون تروریسم و یا مخالفت ذاتی با حقوق بشر تحقق یابد. به سبب عدم امکان تفکیک عقیده از صاحبان آن، این گونه اعمال نه تنها تحقیر و توهین ادیان، بلکه نقض آزادی و اعتبار معتقدان به آنان نیز هست. اهل ادیان و معتقدان نیز موظف هستند در این گونه موارد با مدارا، حق بر انکار عقاید و مذهب خود، توسط دیگران و یا حتی تبلیغ نظریاتی که با ایمان آنان در تعارض است را بپذیرند.



۳- به موجب تکثرگرایی، مدارا و روشن اندیشی که لازمه یک جامعه مردم سالار هستند، آزادی بیان، تنها مختص به بیان انظار، افکار و عقاید پذیرفته دولت ها، یا عموم و شایع نیست، بلکه بیان و ترویج افکار و انظار خاص که می تواند بخشی از مردم و یا دولت را وادار به پاسخگویی کند و با دیدگاه های غالب را دگرگون سازد را نیز شامل می گردد.

۴- نهادهای حقوق بشری اروپایی رویه ثابتی در مورد حق معتقدان بر عدم تعرض نسبت به احساسات مذهبی شان ندارند، به همین سبب، گاهی این حق را جزیی از آزادی دینی آنان می شمارند و گاهی منکر آن هستند، نگارنده معتقد است ممنوعیت از توهین و تحقیر ادیان، نه تنها بر اساس محدودیت های مندرج در حق بر آزادی بیان، بلکه بر اساس حق بر آزادی دینی نیز قابل توجه است. به علاوه، این گونه تعرض ها مخالف اخلاق حسنه و موجب خشونت معنوی علیه معتقدان و به نوبه خود و در برخی موارد مانند اعمال آن در زندان ها، موجب شکنجه معتقدان است.

۵- با توجه به این که توهین و یا تحقیر مذاهب، می تواند موجب تحریک افکار عمومی و آشوب گردد، تأثیری که می تواند سخنان و نحوه تبلیغ آن بر افکار عموم داشته باشد، عامل مهمی در تشخیص رعایت تناسب در اقدامات محدودکننده است.

۶- بین تحریک به تنفر دینی و اظهار نظر مشروع مرز باریکی است. تعیین مرزی برای انتقادهای زشت و رکیک و یا آستانه ای که در آن نحوه ای از اظهار نظر را بتوان دارای ویژگی های مشروع دانست، بسیار مشکل است، به همین سبب، دولت ها در تعیین این آستانه از حق بر حاشیه تفسیر برخوردارند.

بخش چهارم: مجازات توهین به مقدسات

اهانت به مقدسات در قانون کشور جرم می باشد. در صورتی که به مقدسات اسلام، پیامبران عظیم الشان، ائمه و حضرت فاطمه توهین شود به طوری که شامل حکم ساب النبئ (توهین به پیامبر) باشد، قانون برای آن حکم اعدام در نظر گرفته است. در غیر این صورت اهانت

کنند گانربه ۱ تا ۵ سال حبس محکوم می‌شوند. مقصود از مقدسات تمامی اشخاص و اماکنی هستند که در دین از قداست و جایگاهی ویژه و خاص برخوردار می‌باشند. لازم به ذکر است منظور از پیامبران عظیم الشان تمامی پیامبران است و تنها پیامبران اولوالعظم را شامل نمی‌شود.

نتیجه گیری

در جهان معاصر، حقوق بشر و مطالبات مربوطه از جمله برجسته‌ترین گفتمان‌های عمومی است که در اقصی نقاط جهان نمود یافته است. جوهره مطالبات ملت‌ها، ارتقای رعایت کرامت انسانی آن‌ها از سوی دولت‌های مختلف و احترام گذاشتن به حق‌ها و آزادی‌های مختلفی است که برای بهره‌مندی از یک حیات معقول و هدفمند و رو به کمال لازم است. یکی از عرصه‌های محتوایی که می‌تواند ضعف نظری و سوءاستفاده کاربردی و رویکرد ابزاری دولت‌های مزبور به حقوق انسان‌ها را نشان دهد، نحوه مواجهه آن‌ها با آموزه‌ها و مقدسات ادیان الهی به خصوص دین مبین اسلام است. آزادی فکر و بیان و حق هر انسانی به اعتقاد دینی و وجدانی‌اش قایل احترام است، همچنین که آزادی نظر و بیان و ابراز عقیده دینی و نه صرف داشتن عقیده مطلق نیست و قیود مشخصی را به موجب قانون می‌توان در هر جامعه مردم‌سالار بر حق مزبور وارد کرد. بیان نفرت‌آمیز و موجب تبعیض و خشونت نسبت به مقدسات در اسناد حقوقی بین‌المللی که طی ۶ دهه گذشته پس از شکل‌گیری سازمان ملل تصویب شده، ممنوع شده است، چنانچه مواد ۱۸، ۱۹ و ۲۰ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و بسیاری از دیگر اسناد حقوقی بین‌المللی دقیقاً بر این موارد تأکید دارند. در انتها نیز باید گفت بخش‌های تخصصی حقوقی سازمان ملل از جمله گزارشگران موضوعی مربوط به آزادی بیان، آزادی عقیده و منع تبعیض و بیگانه‌ستیزی، موضع فعالی را در این زمینه اتخاذ کنند و با عدم تحرک خود موجب گسترش کینه‌ها و عداوت‌ها از سوی توهین‌کنندگان به مقدسات، در سطح جهانی نشوند. از نهادهای قضایی کشورهای مختلف، خصوصاً کشورهایی که توهین‌کنندگان به مقدسات میلیون‌ها دیندار در آنجا مقیم هستند نیز انتظار می‌رود که نقش بازدارندگی خود برای رعایت حقوق انسان‌ها و جلوگیری از رفتارهای نفرت‌انگیز و مروج خشونت را به نحو



مؤثری نشان دهند. رسانه‌ها نیز در این زمینه مسئولیت سنگینی دارند تا با رعایت حقوق و اخلاق حرفه‌ای اجازه ندهند که برخی به نام جریان آزاد اطلاعات و با سوءاستفاده از امکان رسانه‌ای، بنیان‌های قواعد حقوقی و اخلاقی جامعه بشری را به سُخره گیرند



منابع و مآخذ

۱. آقابخشی، علی، فرهنگ علوم سیاسی، مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، تهران، ۱۳۹۴
 ۲. حمیدالله، محمد حقوق روابط بین الملل در اسلام، ترجمه و تحقیق سید مصطفی محقق داماد، مرکز نشر علوم اسلامی، تهران، ۱۳۹۳
 ۳. شکرخواه، یونس، پایان نامه «آزادی بیان در مصوبه های جهانی» دانشگاه آزاد تهران شمال، ۱۳۹۵
 ۴. کریمی نیا، محمدمهدی، همزیستی مسالمت آمیز در اسلام و حقوق بین الملل، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق بین الملل، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، سال ۱۳۹۹
 ۵. گوستاو لوبون، تمدن اسلام و عرب، ترجمه هاشم حسینی، کتابفروشی اسلامیه، تهران، ۱۳۸۷
 ۶. مسعودی، امید علی، فصلنامه رسانه، سال چهارم، شماره اول، بهار ۱۳۹۲
 ۷. معتمدنژاد، کاظم، حقوق ارتباطات جمعی، انتشارات دانشکده علوم اجتماعی، سال ۱۳۹۸
 ۸. منتسکیو، روح القوانین، ترجمه علی اکبر مهدی، امیرکبیر، تهران، ۱۳۹۲
 ۹. مهرپور، حسین، مقاله اسلام و حقوق بشر، مجله سیاست خارجی، شماره ۱، بهار ۱۳۹۴، انتشارات وزارت امور خارجه
1. Communication No 694/1996, UN Doc CCPR/C/67/D/694/1996, (1999) [‘Warman.’]
 2. For a comment of the constitutional law implications of the HRC decision in this case see D.Matas, ‘Warman v Canada: religious discrimination in the constitution’, Constitutional Forum, 2000, vol. 11, no. 3, 2000, 99–102 .



3. The Freedom of Thought, Conscience and Religion or Belief in the United Nations (1946–1992), Antwerpen-Groningen- Oxford: Intersentia-Hart, 2000

